

دختران پدرسalar و همسرانشان در بافت درام، نقش آنچنان مهمی را ایفا نمی کردند به خصوص این که به دلیل دختر بودن، قانون و قاعده زورگو یانه اسدا... خان مبنی بر اجبار به زندگی در منزل پدری در موردشان اعمال نمی شد.



نقد



جمع بازیگران پدرسalar در برنامه صبحی دیگر

## تاریخ مصرف پدرسalar گذشته است؟

حفظ تعادل در این شرایط بود؛ تبیین این مساله که تنها راه برون رفت از این وضعیت، استفاده از قوه قهریه نیست. راه های دیگری هم برای این تغییر وضعیت وجود دارد. درست همانطور که در سریال «پدرسalar» هیچ کدام از روش های قهری جواب نمی دهد و در نهایت گفت و گو و تعامل میان دو نسل، راهگشا می شود.

نقطه روشن داستان زمانی است که پدر خانواده متوجه می شود که دیگر فضا برای سلطنت و حکمرانی بزرگترها مناسب نیست و او هم برای حفظ احترامش باید هم عرض سایرین حرکت کنند. از این جهت باید گفت «پدرسalar»، سریالی متعلق به ابتدای دهه ۷۰ است و جزو آثار زمان دار تلویزیون تلقی می شود.

از جمله سریال هایی که بعد از مدتی، منقضی می شوند و دیگر نمی توانند برای نسل جدید حرفی برای گفتن داشته باشند. همین حالا هم نمی توانیم از متولدین دهه های ۷۰ و ۸۰ بخواهیم به تماشای چنین سریالی بنشینند و آن را درک کند و از محتویاتش لذت ببرد. چون نسل جدید کوچک ترین تصویری از این زندگی ندارد و حتی نمی تواند پذیرد روزگاری در ایران، پدر و مادرش زندگی مشابهی را تجربه کرده اند.

بنابراین سریال پدرسalar با این که اثر بسیار پرمخاطبی بوده، هیچ زمان در فهرست آثار بدون تاریخ مصرف تلویزیون قرار نمی گیرد و نمی توان آن را در هر دوره و زمانی جذاب ارزیابی کرد اما بدون شك، سریالی اثرگذار بوده است که یادش در ذهن اکثر مخاطبانی که آن را تماشا کرده اند می ماند.

«پدرسalar» جزو پرمخاطب ترین سریال های تلویزیونی دسته بندی می شود. نه به این معنا که سریال خوش ساخت و بی عیب و نقصی است؛ نه! چون همین حالا که بعد از دو دهه، مجدداً آن را تماشا می کنیم متوجه می شویم با سریالی به نسبت ساده انگارانه و تا حدودی شعاری رویه رو هستیم که شاید اگر نمونه اش همین حال روی آنتن باشد، آن را اثری گل درشت بنامیم و حتی حوصله تماشا کردنش را هم نداشته باشیم.

آنچه باعث می شود «پدر سalar» برای مخاطبان دهه ۷۰ تلویزیون اهمیت داشته باشد، این است که داستان این سریال، متعلق به زمانه خودش است و در واقع اثری است که حرف ها، مناسبات و دغدغه بخش مهمی از مردم زمانه خودش را پدک می کشد.

جامعه های پدرسalar که قرار است کم کم در دهه ۶۰ و ۷۰ وارد دوران نوسازی شود و سبک زندگی مدرن را تجربه کند. جامعه ای که پایش در سنت قرار دارد اما میل به تجدید و تغییر در آن دیده می شود و از این رو در بلاتکلیفی دست و پا می زند. در این شرایط، تکلیف خانواده هایی منسجم و یکپارچه که زندگی شان مانند شاخه های یک درخت، گره خورده است مشخص نیست.

از یک طرف قوانین سختگیرانه بزرگ خاندان روی زندگی تک تک اعضا سایه انداخته و هیچ کس حق ندارد بدون اجازه او حتی قدمی از قدم بردارد و از طرف دیگر، دنیای جدید چنین مناسباتی را نمی پذیرد. در این شرایط چگونه می توان وارد دنیای مدرن شد؟

نسل جدید تبعیت از نسل گذشته را می پذیرد یا مثل عروس جوان «پدرسalar»، مقابل این سنت ها می ایستد و بنیادشان را فرو می ریزد؟ در واقع «پدرسalar» در پاسخ به این سوالات ساخته شد. دغدغه این سریال، نشان دادن راهکاری برای

مرجان فاطمی  
روزنامه نگار

### جلال (پسر دوم) و زهره (همسر جلال)

تا پیش از پدر سalar، هم محمود پاک نیت (جلال) و هم اکرم محمدی (زهره)، تنها در یک مجموعه تلویزیونی دیده شده دیگر ایفای نقش کرده بودند و در بازیگری تلویزیونی، چهره های باتجربه و کارنامه داری به حساب نمی آمدند. محمود پاک نیت، بازیگر خوب اهل شیراز سه سال قبل از پدر سalar با ایفای نقش «حسام بیک» در سریال تلویزیونی «روزی روزگاری» و آن تیکه کلام معروفش یعنی «التماس نکن» به جا آورده می شد و اکرم محمدی هم را با بازی در فیلم درخشان «مادر» علی حاتمی در نقش دختر کوچک خانواده و نقش آفرینی در مجموعه تلویزیونی مناسبی «نیمه پنهان ماه» ساخته مجید جعفری به خاطر می آوریم. در پدر سalar، پاک نیت نقش پسر شوخ و شنگ و بامزه خانواده را بازی می کرد که در تعمیرگاه اتومبیل متعلق به پدرش مشغول به کار بود. علاوه بر بازی خوب پاک نیت، صدا و اجرای خوب سعید مظفری به عنوان گوینده این نقش (در آن زمان هنوز سریال های ایرانی دوبله می شدند) و باز هم یک تکیه کلام دوست داشتنی دیگر یعنی آره باااااا به کمک نقش آمده بودند.

اکرم محمدی هم که به جز نقش مثبتش در فیلم مادر همیشه به واسطه فیزیک چهره و میمیک های خاص صورت برای ایفای نقش زنان زیر بار زور نرو و قلدر در برابر شوهر همیشه گزینه مناسبی بوده با گویندگی رفعت هاشم پور در نقش عروس زبان دراز و کمی مودی خانواده نقش آفرینی می کرد.



### مصطفی (برادر اسدا... خان) و معصومه (همسر مصطفی)



یکی دیگر از خانواده های کمرنگ سریال که به واسطه آن که عروس سرکش فامیل (آذر) از این خانواده برخاسته بود گاهی در میانه روایت نقشی نه چندان مهم ایفا می کردند. مصطفی (با بازی سیامک اطلسی) نماینده سیستم تربیتی سنتی مبنی بر احترام به برادر بزرگ تر و حرف شنوی از او حتی در موارد زورگویی های این چنینی بود، «مصطفی» و تا حدودی «معصومه» با آن که می دانستند خواسته عموی دخترشان منطقی و اصولی نیست، ولی ضرورت احترام به باورهای سنتی آن قدر برایشان مهم بود که حق چندان برای فرزندشان قائل نمی شدند.

### مولود (خواهر ملوک)

با بازی زنده یاد جمیله شیخی که علاوه بر خواهرزن پدرسalar، مادر زهره (اکرم محمدی) هم محسوب می شد به واسطه عناد دیرینه ای که میان او و اسدا... خان برقرار بود از طریق دخترش، بحران هایی را در خانواده اسدا... خان زمینه چینی می کرد. فهیمة راستکار فقید گویندگی این نقش را با استادی انجام داده بود.



### اوس محمود (تعمیرکار گاراژ اسدا... خان)



مرحوم جعفر بزرگی در این نقش هم همان شمایل همیشگی پیرمرد دلسوز و خیرخواه اکثر سال های بازیگری خود را بازآفرینی کرد. «اوس محمود» به دلیل کسوت سنی و احترامی که پدرسalar برایش قائل بود یکی از معدود کسانی بود که این فرصت را پیدا می کرد گاهی با اسدا... خان وارد بحث شده و تذکری های مشفقانه ای به او بدهد.

اینجانب محمدعلی خاکپور مالک خودرو پژو ۲۰۶SD به شماره شاسی NAAP41FD2EJ684953 و شماره موتور 163B0107572 بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.